

ای یار مهربان نامهٔ اخیر در اسکندریهٔ وصول یافت ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "نگارخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شمارهٔ ۸۰۵

جز

بندر

اوشان

بواسطهٔ

و

خراسانی

ناظم

جناب

جناب آقا میرزا مهدی اخوان الصفا علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای یار مهربان نامهٔ اخیر در اسکندریهٔ وصول یافت با وجود نهایت ضعف و نقاهت جواب مرقوم میگردد تا تلافی مافات شود در این سفر شب و روز مشغولیت بدرجهٔ بود که ابداً فرصت تحریر نبود لهذا قصور حصول یافت حال با وجود نقاهت چون فرصتی هست لهذا بنگارش جواب پرداختم آن یار موافق همیشه در نظر بود و از اعتمادی که باو داشتم قلب مطمئن و نفس مستبشر بود فی الحقیقه زحمت زیادی کشیدی جانفشانی نمودی آرام نگرفتی همواره بی سر و سامان بودی نه راحت صبحگاهی و نه آسایش شبانگاهی با عبدالبهاء همعان بودی جمال مبارک روحی لأحبائه الفداء ما را تربیت فرمودند و پرورش ندادند که راحتی کنیم تا بنعمتی رسیم یا شادمانی کنیم یا کامرانی نمائیم در زندان ایام بسر بردند ما را تربیت فرمودند که از بادهٔ ناکامی سرمست گردیم و تجمل هر مشقتی نمائیم تا در طینت ما نیت صادقهٔ خدمت بامر الله سرشته گردد و در جانفشانی بی اختیار گردیم دمی نیاسائیم و راحت نجوئیم حال الحمد لله تو موفقی و عبدالبهاء محروم

دوست

بر

برآورم

نجالت

ز

سر

چگونه

که خدمتی بسزا برنیامد از دستم

الحمد لله از سفر به مازندران نتایج حمیده حاصل شد و امیدوارم که روز بروز بهتر شود و این نار موقدهٔ الهیه شعله بیشتر زند جمیع یاران الهی را تحیت ابدع ابهی برسان و عذر مکاتیب منفرده بخواه زیرا نقاهت مزاج مانعست از طول سفر جسم را تجملی نمانده است دیروز و امروز احوالم بهتر است با وجود این تحاریر مفصله ممتنع است اما تکلیف شما اینست که با رفیق طریق آقا میرزا حسن بسمت کرمانشاه سیر و حرکت نمائید زیرا مدتیست کسی بآنجا نرفته چند نفوسی که بودند آنان نیز متفرق گشتند و بلغ تحیتی و ثنائی علی الرجل الرشید الشخص الجلیل نعمه ربک الجمیل و قل له ان اصحاب



ORIGINAL

الكهف والرقيم عباد فازوا بالفوز العظيم وآووا الى كهف رحمة ربك الكريم رقدوا عن الدنيا واستيقظوا بنفحات الله و التجؤوا الى ذلك الغار ملاذ الأبرار و ملجأ الأخيار شريعة ربك المختار و شمس الحقيقة تقرضهم ذات اليمين و ذات الشمال و أمّا خلق الجنّ من مارج من نار فهذا العنصر النّارى لا يراه الأبصار بل خفى عن الأنظار و ظاهر من حيث الآثار و حيث أنّ النفوس المستورة تحت الأستار سوءاً كانوا من الأبرار ام من الأشرار طينتهم من مارج من نار التي هي عنصر مخفى عن الأنظار اى امرهم مبهم و حقيقتهم مستورة عن اهل الآفاق و أمّا خلق الانسان من صلصال كالفخار اراد به النفوس المنجذبة بنفحات الله المشتعلة بنار محبة الله باطنهم عين ظاهرهم سرهم عين علانيتهم فيهم خلاصة الكائنات فالصلصال الصّافى التراب هو خلاصة الحمأ المسنون كثير البركات ينبت رياحين معرفة الله و حديقة اوراد محبة الله و أمّا الملائكة اولو اجنحة مثنى و ثلاث و رباع المراد من الأجنحة قوى التأييد و التوفيق لأنّ بها يتعارج الانسان الى اعلى معارج العرفان و يطير الى بحوحة جنة الرضوان بسرعة لا يخطر ببال الانسان و المراد من الملائكة الحقائق القدسيّة التي استنبأت عن مواهب ربها و تزّهت عن النقائص و الرذائل و تقدّست عن كلّ الشوائب و اكتسبت جميع الفضائل و اطاعت ربها بجميع الوسائل لا يسبقونه بالقول و هم بأمره يعملون

و أمّا الازدواج الموقت حرّمه الله فى هذا الكور المقدّس و منع النفوس عن الهوى حتّى يرتدوا برداء التقوى و هو التنزيه و التقديس بين الملاّ الأعلى و اننى لاعتلال المزاج و تبلبل البال و تراكم الأشغال معذور فى اختصار الجواب لفقدان وقت الاسهاب ولكنّ الايجاز الواضح خير من الاطناب الفاضح و من حضرة الفاضل السّماح الى ان يفتح الله ابواب الرّاحة على عبدالبهاء عند ذلك الجواب المفصّل و تشرّيح هذه المسائل لكلّ سائل محترم و عليك البهاء الأبهى

عبدالبهاء عباس